

Explaining the Principles of Psychological Interpretation of the Holy Quran

DOI: 10.30497/quran.2020.13315.2619

Alireza Shirzad *
MohammadAli Rezaey Isfahani **

Received: 27/12/2019

Accepted: 22/08/2020

Abstract

Considering the psychological characteristics of human in God's dealings with the servants, including in the outline of the commandments, is one of the things that can be found in different verses of the Holy Quran. There are latent psychological implications in Quran, moreover being matters and psychological keywords in that. As a result, it is necessary, that interpreter provide a detailed and specialized explanation of them and finally extract the teachings of the psychology of the Qur'an. psychological interpretation is one of the interpretive tendencies in which the interpreter that having the psychological orientation look all of verses and whit using interpretive source, present the ideas of the past in psychology, produce new ideas and systematization that based on psychology, interpret the psychological implications in Quran, The present study aimed to investigate the Principles of psychological interpretation of the Holy Quran. research evidences indicate "being psychological verses in Quran", "validity of Interpretations of Quran", "the certain theories, accepted symmetry in Interpretations of Quran", "preference of certain theories than surface of verses", the consideration of human psychic statuses in the Divine Word", " Being multi-dimensional of the teachings of the Qur'an" and "the actual pointing of the Qur'anic theories" as the principles of the psychological interpretations.

Keywords: *Interpretation of the Qur'an, principles of Interpretation, Interpretative Trends, Psychology, Psychological Interpretation.*

* PhD student in Quran and Islamic texts, Qom University of Islamic Studies, Iran.
(Corresponding Author) ashirzad125@gmail.com

** Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Mustafa International University, Qom, Iran. rezaee.quran@gmail.com

تبیین مبانی تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم

DOI: 10.30497/quran.2020.13315.2619

علیرضا شیرزاد*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

محمد علی رضایی اصفهانی**

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

توجه به ویژگی‌های روانی انسان‌ها در تعامل خداوند با بندگان از جمله در تشریح احکام، در آیات مختلف قرآن کریم مشاهده می‌شود. علاوه بر وجود مفاهیم و کلیدواژه‌های روان‌شناختی در برخی آیات قرآن کریم، آیاتی نیز به‌طور غیرمستقیم دارای اشارات نهفته روان‌شناختی هستند که لازم است مفسران با نگاهی دقیق و تخصصی به تبیین آنها پرداخته و در نهایت آموزه‌های روانشناسی قرآن را استخراج نمایند. تفسیر روان‌شناختی یکی از گرایش‌های تفسیری است که مفسر با رویکرد روان‌شناختی به مجموع آیات قرآن نگرسته و با استفاده از منابع تفسیری و با هدف عرضه یافته‌های گذشته دانش روانشناسی، تولید یافته‌های جدید روانشناسی از آیات و نظام سازی بر اساس آنها، به تفسیر اشارات روان‌شناختی قرآن کریم می‌پردازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصولی مانند: «وجود آیات روان‌شناختی در قرآن کریم»، «جواز و حجیت تفاسیر روان‌شناختی»، «نظریات مسلم روان‌شناختی، قرائنی مقبول در تفاسیر روان‌شناختی»، «تقدم نظریات مسلم روانشناسی بر ظاهر آیات»، «توجه به حالات روانی انسان‌ها در کلام الهی»، «چند بُعدی بودن معارف قرآن» و «واقع‌نما بودن نظریات قرآنی» را می‌توان به عنوان مبانی تفسیر روان‌شناختی بیان نمود.

واژگان کلیدی

تفسیر قرآن، مبانی تفسیر، گرایش‌های تفسیری، روانشناسی، تفسیر روان‌شناختی.

* دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول) ashirzad125@gmail.com

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. rezaee.quran@gmail.com

طرح مسئله

مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن سابقه‌ای طولانی دارد و رویکردهای ادبی، فلسفی و کلامی در میان برخی از مفسرین گذشته، سبب بروز گرایش‌های متعدد تفسیری و در نتیجه فهم متفاوت از آیات قرآن گردیده است. در این میان، پس از گرایش‌های اجتماعی و تربیتی به عنوان جدیدترین گرایش‌های تفسیری، گرایش روان‌شناختی را می‌توان از جدیدترین گرایش‌های تفسیری دانست البته در میان تفاسیر موجود، تفسیری که مفسر در سراسر آن با رویکرد روان‌شناختی به آیات نگرسته و برداشت روان‌شناختی از آیات ارائه نموده باشد یافت نمی‌گردد اما مشاهده می‌شود که برخی از مفسرین در کتب تفسیری خود ذیل برخی از آیات، تفاسیر روان‌شناختی ارائه نموده‌اند که تفسیر روان‌شناختی آیه «إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلاً وَ لَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيراً لَفَشِلْتُمْ» (انفال: ۴۳) مبنی بر «انگیزه‌سازی» خداوند در جریان جنگ بدر نمونه‌ای از برداشت‌های روان‌شناختی از آیات قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۴۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۰۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۹).

البته تفسیر روان‌شناختی آیات الهی ابتدائاً نیازمند تخصص و یا حداقل، شناخت کافی در هردو حوزه یعنی علم تفسیر و روانشناسی بوده و در مرحله بعد نیازمند آگاهی دقیق از ماهیت این نوع گرایش و نیز شناخت مبانی تفسیری آن است به همین جهت در پژوهش حاضر ابتدا مفهوم شناسی واژگان «مبانی تفسیر» و «روانشناسی» بیان شده و پس از تبیین اصطلاح «تفسیر روان‌شناختی»، به مسئله اصلی پژوهش حاضر یعنی تبیین مبانی تفسیری گرایش روان‌شناختی پرداخته شده است و در هر بخش نیز نقش هر یک از مبانی در فرایند تفسیر روان‌شناختی از آیات قرآن بیان گردیده است.

۱. پیشینه پژوهش و وجه نوآوری

در میان اندیشمندان و قرآن پژوهان مسلمان، آثاری مشاهده می‌شود که به بررسی اعجاز و نیز گزاره‌های روان‌شناختی موجود در قرآن کریم پرداخته است. در میان اندیشمندان کشورمان می‌توان به کتاب «روانشناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها» اثر محمد کاویانی، اشاره نمود. مؤلف در این کتاب پس از ذکر کلیات و مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و اعتقادی روانشناسی قرآنی، به بررسی برخی مفاهیم و مباحث روانشناسی معاصر همچون: «انگیزش»، «رشد» و «سلامت روانی» از منظر قرآن کریم پرداخته و در هر بخش با بیان آیات مرتبط و برداشت‌های روان‌شناختی متناسب با آنها، آموزه‌های جدیدی پیرامون مسائل روانشناسی از نگاه قرآن کریم استخراج نموده است (کاویانی، ۱۳۹۳ ش).



کتاب «درمان بحران‌های روحی از دیدگان قرآن کریم» اثر محمدهادی قربانی، کتاب دیگری است که در زمینه روانشناسی قرآنی نگاشته شده است. در این کتاب به بیان بیماری‌های روحی از جمله اضطراب و نگرانی، ترس و ناامیدی و نیز درمان آن‌ها با راهکارهای معرفتی و رفتاری از منظر آیات قرآن پرداخته شده است (رک: قربانی، ۱۳۹۳ش).

مقاله «گامی به سوی تحلیل محتوای آیات قرآن از منظر روان‌شناسی اجتماعی» نیز با این رویکرد توسط هومن نامور و فاطمه ذهبی نوشته شده که در شماره هفتم دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث به چاپ رسیده است. پژوهشگران در این مقاله به منظور شناخت بیشتر مفاهیم نهفته در آیات قرآن به تحلیل محتوای آن از دیدگاه روانشناسی اجتماعی پرداخته و مضامین مرتبط با این حوزه را استخراج نموده‌اند (نامور و ذهبی، ۱۳۸۹ش).

در میان اندیشمندان کشورهای عربی نیز پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است. کتاب «القرآن و علم النفس» اثر محمد عثمان النجاتی یکی از پژوهش‌های پیشگام در این حوزه می‌باشد که مباحثی همچون انگیزه‌های رفتار در قرآن، تفکر از دیدگاه قرآن کریم، یادگیری در قرآن، شخصیت در قرآن و روان‌درمانی در قرآن پرداخته است. مؤلف در این کتاب، علاوه بر تطبیق میان یافته‌های روانشناسی معاصر با روانشناسی قرآنی، یافته‌های جدیدی را نیز ارائه نموده است (النجاتی، ۱۳۷۲ش).

«الاشارات النفسیه فی القرآن الکریم» اثر لطفی الشربینی، از کتبی است که با نگاه روان‌شناختی به تبیین برخی از آیات قرآن پرداخته است. که اشارات آیات قرآن کریم نسبت به برخی از وظایف طبیعی نفس انسان مانند خواب و رؤیا، نسبت به بعضی از حالات انسان مانند جنون و نیز نسبت به ظواهر انسان مانند پیری نمونه‌ای از آنهاست (الشربینی، ۲۰۰۹م).

همان‌طور که مشاهده گردید، با وجود پژوهش‌های متعددی که اندیشمندان مسلمان در زمینه روانشناسی قرآنی انجام داده‌اند اما بسیاری از پژوهش‌ها معطوف به تطبیق نظریات روانشناسی معاصر با آموزه‌های قرآنی و یا استخراج یافته‌های روان‌شناختی از آیات قرآن کریم می‌باشد در حالی که پژوهش‌های قرآنی، نیازمند ضوابط و پیش‌فرض‌هایی است که قبل از اقدام بایستی مورد بررسی علمی قرار گرفته تا مبادا پژوهشگران این عرصه در دام تفسیر به رأی گرفتار شوند. در نتیجه پژوهش حاضر به معرفی تفسیر روان‌شناختی به عنوان یکی از گرایش‌های تفسیری و نیز بررسی مبانی تفسیری این گرایش اقدام نموده تا گام‌های ابتدایی را در جهت بررسی گرایش روان‌شناختی در تفسیر قرآن کریم برداشته و پژوهشگران این عرصه نیز با شناخت مبانی تفسیری این گرایش و در نتیجه انتخاب مبانی خویش در تفسیر آیات، یافته‌های پژوهشی خود را بر پایه‌های معتبری بنا نمایند.

۲. مفهوم‌شناسی واژگان و اصطلاحات

پیش از پرداختن به مبانی تفسیر روانشناسی، شناخت دقیق هریک از کلیدواژگان بکار رفته در این پژوهش و ارتباط آنها با موضوع تحقیق ضروری خواهد بود به همین جهت سه واژه «مبانی تفسیر»، «روانشناسی» و «تفسیر روان‌شناختی» تعریف و تبیین خواهند شد.

۲-۱. مبانی تفسیر

در هریک از مباحث علمی نیازمند زیرساخت و پیش‌فرض‌هایی می‌باشیم که اصطلاحاً «مبانی» آن علم نامیده می‌شود در حقیقت مقصود از مبانی، چیزی است که محقق آن را به عنوان پایه و زیربنای بحث خود بر می‌گزیند و مباحث مربوط را بر اساس آن استوار می‌کند (فاکر میبیدی، ۱۳۹۳، ص ۲۶). تفسیر قرآن نیز از این قاعده مستثناء نبوده و نیازمند یک مبانی مخصوص به خود می‌باشد که در واقع به سه رکن قرآن کریم، یعنی خداوند متعال به عنوان متکلم، انسان‌ها به عنوان مخاطب و متن قرآن می‌پردازد (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱). در نتیجه مبانی تفسیر قرآن به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای «اعتقادی» یا «علمی» گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها به تفسیر قرآن پرداخته (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۰) در اثبات یا نفی آنها در چگونگی تفسیر، اثری بنیادین دارد (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

بررسی مبانی از دو جهت حائز اهمیت است: اول اینکه برخی از این مبانی تفسیری مورد اتفاق مفسرین قرار نگرفته و محل بحث و نظر قرار گرفته است در نتیجه هر مفسری ناگزیر است که مبانی خود را پیش از آغاز تفسیر روشن نماید. و جهت دوم این است که در فرایند تفسیر نیز ممکن است تعارض‌ها و شبهاتی پیرامون نتایج تفسیری ایجاد گردد که تعیین مبانی مورد نظر پیش از انجام تفسیر می‌تواند راه‌حلی برای آن تعارضات باشد. در نتیجه مبانی تفسیر در تمام مراحل انجام یک تفسیر به مفسر قرآن یاری می‌رساند (فتح‌الهی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹).

تفسیر روان‌شناختی نیز مانند دیگر تفاسیر قرآن کریم از برخی اصول بنیادین تبعیت می‌کند البته برخی از مبانی تفسیری همچون جواز و امکان تفسیر عام بوده و در تمام انواع تفاسیر جاری است، اما گرایش‌های تفسیری همچون گرایش روان‌شناختی دارای مبانی خاص خود نیز می‌باشند که این مبانی نسبت به دیگر مبانی تفسیری، بیشترین ارتباط و کاربرد را در این نوع تفاسیر خواهند داشت در نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش هریک از این مبانی در برداشت‌های تفسیری مفسر روانشناس، اثر مستقیم خواهد داشت مانند تعارض یافته‌های قرآنی با یافته‌های علم تجربی که پیش از آغاز هر نوع بهره‌برداری علمی از آیات قرآن بایستی مفسر به یک جمع‌بندی صحیح از این مسئله رسیده و مبانی خویش را انتخاب کرده باشد.

۲-۲. روانشناسی

دانش روانشناسی (psychology) به عنوان یک رشته علمی در سال ۱۸۷۹ میلادی توسط روانشناسی به نام ویلهلم وونت (Wilhelm Wundt) پایه‌گذاری شد (ویتن، ۱۳۹۳، ص ۶). در تعریف این علم می‌توان گفت که روانشناسی مطالعه علمی «رفتار» و «فرایندهای ذهنی» است (سانتراک، ۱۳۸۸، ص ۳۸). رفتار، هر نوع فعالیت بیرونی انسان بوده که قابل مشاهده می‌باشد و فرایندهای ذهنی، فعالیت‌های درونی انسان‌ها مانند افکار، احساسات و انگیزه‌هاست که قابل مشاهده مستقیم نمی‌باشند اگرچه می‌توانند در رفتارها جلوه نموده و از این طریق به بررسی آنها اقدام نمود.

در حال حاضر، رویکرد تجربی و مشاهده رفتار انسان‌ها یکی از مهم‌ترین «منابع» شناخت انسان‌ها می‌باشد که بر سراسر دانش روانشناسی سایه افکنده است، اما علاوه بر رویکرد تجربی به علم، قرآن و کتب حدیثی و البته به صورت ویژه قرآن کریم به عنوان یک منبع قطعی السند، منابعی هستند که می‌توان علمی را از آنها استخراج نمود که گزاره‌ها و اشارات روانشناختی قرآن نمونه‌ای از آنهاست. البته نمی‌توان هدف اصلی قرآن را اشارات علمی آن دانست زیرا هدف اصلی قرآن جهت بخشیدن به زندگی و آموختن راه سعادت به انسان‌هاست و وجود اشارات علمی در قرآن کریم به منظور اثبات اعجاز علمی قرآن بوده و نشان از آن علم و حکمت سرشار الهی است (ایزدی مبارکه، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

۲-۳. تفسیر روان‌شناختی

تفسیر روان‌شناختی یکی از گرایش‌های تفسیری است که مفسر با رویکرد روان‌شناختی به مجموع آیات قرآن نگرینسته و با استفاده از منابع تفسیری همچون آیات قرآن، روایات، دستاوردهای قطعی یا اطمینان بخش تجربی و کتب لغوی و با هدف عرضه یافته‌های گذشته دانش روانشناسی، تولید یافته‌های جدید روانشناسی از آیات و نظام سازی بر اساس آنها به تفسیر اشارات روان‌شناختی قرآن کریم می‌پردازد. توضیح بیشتر آنکه تفاسیر روان‌شناختی از منظر هدف مفسر و نیز کارکرد آن در حوزه روانشناسی قرآنی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۲-۳-۱. عرضه یافته‌های گذشته

در این قسم، نظریات و یافته‌های دانش روانشناسی را البته به شرط قطعی و یا اطمینان بخش بودن به آیات قرآن کریم عرضه می‌کنیم و در نتیجه موضع قرآن نسبت به آنها مشخص می‌شود. ثمره این عرضه از سه صورت خارج نیست:

الف) تأیید

در آیات قرآن شواهدی وجود داشته که آن یافته علمی را تأیید می‌نماید مثلاً در قرآن نیز به این نظریه علمی اشاره شده است. این قسم را می‌توان «تطبیق» نیز نامید.

ب) ابطال

صورت دوم از عرضه یافته‌های روان‌شناختی این است که یافته مذکور مخالف برخی از آیات قرآن بوده به طوری که قابل جمع نیز نباشند که در این صورت، یکی از فرض‌های تنافی رخ خواهد داد که در بخش مبانی به آن اشاره خواهد شد

ج) سکوت

صورت سوم آن است که پس از عرضه آن یافته علمی، نه تأیید و نه ردی از آیات قرآن کریم نسبت به آن یافت نگردد.

نمونه‌ای که می‌توان برای عرضه یافته‌های گذشته بیان نمود این است که در دانش روان‌شناسی یکی از تکنیک‌های «شناخت درمانی»، تحلیل مزایا و معایب باورهای غلطی مراجع است که سبب ناخوشایند شدن حال او شده است. در تکنیک شناخت درمانی، مراجعان باورهای خاص خود را مورد آزمون قرار می‌دهند و درمانگر نیز تلاش می‌کند تا امتیازات آن باور خاص را به حداقل رسانده و از اهمیت آنها بکاهد و در عوض معایب آن را مورد تأکید و توجه قرار دهد (بک، ۱۳۹۱، ص ۲۰۶).

از این شیوه می‌توان در تغییر رفتارهای نامطلوب نیز استفاده نمود. از سویی دیگر در جریان تشریح حرمت خمر نیز مشاهده می‌شود که خداوند متعال در آیه «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...» (بقره: ۲۱۹) پس از اینکه از گناه و زیان بزرگی که در شراب است یاد نمود، برای آن دو، منفعت‌هایی نیز قائل شده است که با این کار، باب مقایسه و قضاوت میان منفعت و ضررهای آن دو را گشوده تا مخاطب با احتساب ضرر و زیان آن عمل نامطلوب، مانند آنچه که در برگه سود و زیان در روانشناسی مطرح است، خود تصمیم به ادامه آن عمل نامطلوب گرفته و یا ترک نماید که این روش قرآن، تأییدی بر آن شیوه شناخت درمانی در روانشناسی است.

البته گاهی نظریات روان‌شناختی با یافته‌های قرآنی متفاوت است مثلاً «خودشکوفایی» از منظر مکتب انسان‌گرایی مازلو (Maslow) که به معنای تحقق استعدادهای ذاتی انسان است با خودشکوفایی از منظر قرآن که به معنای بازگشت به فطرت اصیل خداجویی و پیروی از دین الهی است متفاوت است (مروتی و یعقوبی، ۱۳۸۹، ص ۹۱).

۲-۳-۲. تولید یافته‌های جدید

یکی از اقسام تفسیر روان‌شناختی، ارائه یافته‌ها و نظریات جدید در حیطه روانشناسی از آیات قرآن است که با یک فهم تازه و نو از آیات الهی همراه است. این امر می‌تواند گام مؤثری به سمت توسعه علوم انسانی اسلامی باشد که مفسر با شناسایی آیات روان‌شناختی قرآن و در نتیجه استخراج گزاره‌ها و مفاهیم مرتبط با دانش روانشناسی، به تولید آموزه‌ها و نظریات روان‌شناختی از کلام الهی بپردازد. به عنوان نمونه یکی از یافته‌های روان‌شناختی اتخاذ شده از آیات قرآن این است که می‌توان مفاهیم سه‌گانه «نفس» در قرآن یعنی «آماره»، «لؤامه» و «مطمئنه» را به عنوان حالت‌هایی تصور نمود که شخصیت انسان در سطوح مختلف رشد خویش به آنها متصف می‌شود (نجاتی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۵).

۳-۳-۲. نظام سازی

ایجاد ارتباط میان مفاهیم و مسائل روان‌شناختی قرآن، می‌تواند ما را به یک نظام و یا مدل روان‌شناختی برساند به عنوان نمونه از مجموع گزاره‌های انگیزشی در آیات قرآن می‌توان یک نظام انگیزشی را از منظر قرآن بنا نهاد.

۳. مبانی تفسیر روان‌شناختی

در این بخش، هفت مبنا که در تفسیر روان‌شناختی قرآن نقش داشته و پیش از اقدام به تفسیر با این رویکرد توسط مفسر، لازم است به آنها توجه نموده و موضع خویش را نسبت به مبانی ذکر شده معین نماید، مورد بررسی و تبیین قرار خواهند گرفت.

۱-۳. وجود آیات روان‌شناختی در قرآن کریم

نخستین مبنا در انواع گرایش‌های تفسیری، پذیرش وجود آیاتی در قرآن کریم است که بر گرایش مورد نظر مفسر دلالت دارند که در صورت عدم وجود چنین آیاتی، گرایش مورد نظر مفسر در تفسیر قرآن برای او سودی نداشته و یا منجر به تحمیل سلائق شخصی بر آیات شده و در نتیجه تفسیر به رأی رخ خواهد داد. در قرآن آیات بسیاری وجود داشته که دارای رویکردی روان‌شناختی است که می‌توان این آیات را به دو دسته تقسیم نمود:

الف) آیات مستقیم

بخشی از آیات قرآن که به صورت مستقیم و با استفاده از کلیدواژه‌ها و مسائل علم روانشناسی همچون «آرامش»، «انگیزش»، «تعارضات زناشویی» و «کنترل جنسی» به بیان مباحث روان‌شناختی

پرداخته‌اند. مانند آیه «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم: ۲۱) که به با واژه «لتسكنوا» به اثر آرامش بخشی ازدواج اشاره نموده و یا آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ...» (انفال: ۶۵) که با واژه «حرّض» به مسئله انگیزش اشاره دارد.

ب) آیات غیر مستقیم

آن دسته از آیاتی که «کاربرد روان‌شناختی» داشته و اگرچه موضوع آن آیات، روانشناسی تجربی نبوده و مثلاً فقهی یا کلامی است اما در حقیقت به صورت غیر مستقیم دارای اشارات روان‌شناختی می‌باشند. در این دسته از آیات قرآن در صورتی که مفسر دارای نگاه روان‌شناختی باشد می‌تواند این اشارات نهفته در آیات را استخراج نماید.

به عنوان نمونه، طباطبایی از آیه «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...» (احقاف: ۱۵) یک برداشت روان‌شناختی نموده و از نگاه این مفسر، بیان مشقت‌های ایام بارداری و شیرخوارگی، آن هم پس از سفارش به احسان والدین از جانب خداوند، می‌تواند نوعی تحریک عواطف انسانی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۲۰۱) در نتیجه به وسیله این تحریک عاطفه، انسان‌ها به سپاسگزاری از والدین خصوصاً مادر ترغیب گردند.

این فهم روان‌شناختی علامه طباطبایی از آیه مذکور که به دو مسئله «عواطف و انفعالات روحی» و نیز «انگیزه سازی» در دانش روانشناسی اشاره دارد در حقیقت تفسیر روان‌شناختی از آیه‌ای است که گزاره‌های مرسوم دانش روانشناسی در آن بکار نرفته است. این برداشت روان‌شناختی در آثار بسیاری از مفسرین یافت نمی‌شود مثلاً برخی از مفسرین از جهت فقهی به آیه نگرسته و مقدار زمان وجوب شیردهی مادران و برخی احکام مربوط به مدت بارداری را از آیه مذکور استنباط نموده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۷، ص ۳۴؛ کاشانی، ۱۳۴۰، ج ۸، ص ۳۱۵). نمونه دیگر، استفاده روان‌شناختی از آیه وجوب صوم است که می‌توان از آن، یکی از شیوه‌های «ایجاد رفتار» را که از اهداف دانش روانشناسی است استنباط نمود. در این آیه شریفه، خداوند حکم وجوب روزه را که از دشوارترین احکام الهی است برای مؤمنین بیان نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره: ۱۸۳)، اما بلافاصله پس از آن می‌فرماید: «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره: ۱۸۳) و در نتیجه وجوب روزه بر مسلمانان را به وجوب روزه بر پیروان ادیان گذشته تشبیه نموده است.



عده‌ای از مفسرین از این آیه برداشت روانشناختی نموده و هریک در تفاسیر خود، این «تعمیم دهی» حکم و جوب روزه به ادیان گذشته را سبب «ترغیب» و گوارا شدن انجام این عمل برای مسلمانان دانسته‌اند که به‌نوعی انگیزه سازی پیش از عمل است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۸؛ کاشانی، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۳۸۶؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۶۳؛ شبّر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۵).

البته عده‌ای دیگر، تشبیه و جوب صوم در ادیان گذشته را با رویکرد روانشناختی بررسی نکرده و علت تشبیه را از منظر و جوب، وقت و تعداد روزه‌داری در اسلام و ادیان گذشته مورد بررسی قرار دادند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۶۳). لازم به ذکر است با توجه به امکان استخراج یافته‌های روانشناختی حتی از آیاتی که به مفاهیم و موضوعات روانشناسی نپرداخته‌اند، می‌توان ادعا نمود که «امکان» تفسیر روانشناختی برای تمامی آیات قرآن کریم وجود خواهد داشت، البته این نظریه بدین معنا نیست که در عمل نیز بتوان برای تمامی آیات، برداشت‌های روانشناختی ارائه نمود بلکه بدین معناست که گستره استفاده‌های روانشناختی از قرآن کریم به گستره تمامی آیات آن می‌باشد خواه به‌واسطه تفضل پروردگار، مفسر با این گرایش تفسیری به فهم روانشناختی جدید از برخی آیات قرآن برسد و خواه نرسد.

۲-۳. جواز و حجیت تفاسیر روانشناختی

مباح بودن یا حجیت داشتن تفسیر آیات الهی با گرایش روانشناختی از دیگر مبانی آغازین در این نوع تفسیر است. یکی از بهترین دلایل برای حجیت تفاسیر روانشناختی، مشاهده این‌گونه تفاسیر در کلام ائمه اطهار^(علیهم‌السلام) است که با نگاه روانشناختی به تفسیر تعدادی از آیات قرآن کریم پرداخته‌اند:

۱. امام صادق^(علیه‌السلام) در تفسیر آیه «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (تغابن: ۱۱) ایمان به خدا را سبب سکون و آرامش قلب دانسته و فرمودند: «وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ أَيْ: يَسْكُنُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۹).

۲. در یکی از روایات، هنگامی که راوی از امام رضا^(علیه‌السلام) در مورد تفسیر آیه «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (انعام: ۱۲۵) پرسید، ایشان فرمودند: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ بِإِيمَانِهِ فِي الدُّنْيَا إِلَى جَنَّتِهِ وَ دَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ التَّقِيَّةِ بِهِ وَ السُّكُونِ إِلَى مَا وَعَدَهُ مِنْ ثَوَابِهِ حَتَّى يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ - وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ دَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ لِكُفْرِهِ بِهِ وَ عَصْيَانِهِ لَهُ فِي

الدُّنْيَا - يَجْعَلُ صَدْرَهُ صَبِيحًا حَرَجًا حَتَّى يَشُكَّ فِي كُفْرِهِ وَ يَضْطَرِبَ مِنْ اِعْتِقَادِهِ قَلْبُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۲۴۳). امام رضا (علیه السلام) در این روایت تفسیری به یکی از کارکردهای روان‌شناختی شرح صدر اشاره نموده و آن را سبب آرامش و اطمینان انسان به وعده الهی و در مقابل، «ضیق صدر» را مایه اضطراب قلب دانسته است.

۳. همچنين، امام صادق (علیه السلام) در تفسیر دو آیه «قَالَ لَا تُثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَعْفُرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف: ۹۲) و «قَالَ سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي اِنَّهُ هُوَ الْعَفُوْرُ الرَّحِيْمُ» (یوسف: ۹۲) یکی از دلایل بخشش سریع حضرت یوسف (علیه السلام) و در مقابل، تأخیر انداختن طلب آموزش توسط حضرت یعقوب نسبت به خطای برادران یوسف را «رقت قلب» بیشتر جوانان نسبت به سالخوردهگان دانسته و فرمودند: «لَاَنَّ قَلْبَ الشَّابِّ اَرْقُ مِنْ قَلْبِ الشَّيْخِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۴). در نتیجه حضرت (علیه السلام) در تفسیر خود به یکی از ویژگی‌های «رشد» دوران جوانی اشاره نموده‌اند.

البته آنچه که بحث حجیت این نوع از تفاسیر را ضرورت می‌بخشد منبع یا استناد مفسر در این تفاسیر است که حجیت هر چهار منبعی که عموماً در تفاسیر روان‌شناختی از آنها استفاده می‌گردد (قرآن، روایات، دستاوردهای قطعی یا اطمینان بخش تجربی و کتب لغوی) مورد اتفاق مفسرین می‌باشد در نتیجه حتی با عدم وجود عمل ائمه اطهار (علیهم السلام) در انجام تفاسیر روان‌شناختی، این‌گونه تفاسیر از حجیت برخوردار خواهند بود. البته برخی از مفسرین در صحت استناد به یافته‌های تجربی اطمینان بخش خدشه نموده که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۳. نظریات مسلم روانشناسی، قرائنی مقبول در تفسیر روان‌شناختی

آنچه که لازم است به عنوان یک مبنا قبل از آغاز تفاسیر روان‌شناختی به آن توجه نمود این بوده که از چه نوع قرائن علمی می‌توان در این نوع تفاسیر بهره برد؟ آیا تمام نظریات روان‌شناختی می‌توانند قریبه‌ای مورد اعتماد برای تفسیر قرآن کریم واقع گشته و تفسیر خود را به آن نظریه مستند نمائیم؟ بررسی این سؤالات از آن جهت اهمیت داشته که قرائن تجربی به عنوان یکی از مستندات تفسیری شناخته می‌گردند که استفاده یا عدم استفاده هریک از آن قرائن، در فهم مفسر از آیات قرآن اثرگذار خواهد بود. پاسخ این است که نظریات علمی از سه حالت خارج نیستند:

۱. نظریه علمی مورد نظر از مسلمات محسوب شده و برای انسان قطع آور است و خلاف آن نظریه، متصور نباشد.



۲. نظریه علمی مورد نظر از مسلمات محسوب شده و برای انسان اطمینان آور است اما احتمال خلاف آن به صفر نرسیده است (ظن نزدیک به قطع).
۳. نظریه علمی مورد نظر صرفاً فرضیه بوده و به مرحله اثبات نرسیده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۸).

در میان سه دسته از نظریات علمی صرفاً نظریات علمی قطعی و نیز نظریات علمی اطمینان بخش به عنوان قرائن مورد اعتماد در تفسیر محسوب می‌گردند و نظریات ثابت نشده در تفسیر روان‌شناختی از اعتبار برخوردار نخواهند بود زیرا آنچه که در تفسیر قرآن کریم مورد استناد قرار می‌گیرد بایستی از حجیت شرعی و عقلی برخوردار بوده تا بدین منظور از تفسیر به رأی کلام الهی و در نتیجه افترای به خداوند متعال اجتناب گردد. به همین منظور نظریه‌های قطعی روان‌شناسی به دلیل اینکه برای انسان قطع آور هستند و اعتبار قطع نیز از ذاتیات آن بوده و غیرقابل انکار است در نتیجه در حجیت آن خدشه‌ای نیست. به عنوان نمونه اثرگذاری پاداش و تنبیه در ایجاد یا حذف یک رفتار از موارد قطعی دانش روان‌شناسی می‌باشد که جای تردیدی برای آن نیست.

البته گاهی در مسلمات علوم، میان قطع معرفت شناختی و قطع روان‌شناختی فرق گذاشته می‌شود بدین معنا که قضایای علوم تجربی نمی‌توانند قطع معرفت شناختی ایجاد کنند یعنی نمی‌توان گفت: فلان گزاره علمی، حتماً مطابق واقع و تغییرناپذیر است؛ اما می‌توانند قطع روان‌شناختی ایجاد نمایند یعنی گزاره‌های علمی می‌توانند از راه مشاهده، دلایل عقلی یا قرائن دیگر مثل بدیهی گردند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۸۴).

اما آنچه که پذیرش آن در تفاسیر مورد اختلاف مفسرین واقع شده است، استناد به نظریه‌های غیرقطعی اما «اطمینان بخش» در تفاسیر می‌باشد به همین جهت برخی از قرآن پژوهان صرفاً یافته‌های قطعی دانش تجربی را به عنوان قرائن قابل قبول برای تفسیر یاد نموده و استناد تفاسیر به قرائن اطمینان بخش را تنها با وجود برخی شرایط از جمله «احتمالی بیان کردن آن» جایز شمرده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۷۲؛ علوی مهر، ۱۳۸۹، ص ۳۳۵)، اما آنچه که می‌تواند دلیلی برای حجیت قرائن علمی اطمینان بخش در تفسیر باشد آن است که همچنان که در طول تاریخ، موارد قطعی نزد عقلاء معتبر بوده و بدان اعتماد می‌نمودند، موارد اطمینان بخش نیز نزد آنان از اعتبار برخوردار بوده و بدان عمل می‌نمودند و این بنای عقلاء در عمل به امور اطمینان بخش، در عصر ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز وجود داشته و منعی از جانب آن بزرگواران نقل نگردیده

که این امر، نشان از تقریر و تأیید ائمه اطهار^(علیهم‌السلام) نسبت به این بنای عقلاءست (بابایی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶).

در نتیجه همچنانکه حجیت استفاده از ظاهر قرآن در تفسیر، مستند به سیره عقلاء در عمل به ظاهر هر کلامی است، استفاده از امور اطمینان بخش همچون نظریات مسلم علمی که برای انسان اطمینان بخش است نیز مستند به سیره عقلاء و پذیرفته خواهد بود. آیت الله جوادی آملی نیز ضمن پذیرش شواهد اطمینان بخش تجربی به عنوان یک قرینه در فرایند تفسیر، بیان می‌دارد: «گرچه ره‌آورد علم را نمی‌توان بر قرآن تحمیل کرد، لیکن براهین قطعی علمی یا شواهد طمأنینه بخش تجربی، تاریخی، هنری و مانند آن را می‌توان حامل معارف و معانی قرآن قرار داد، به طوری که در حد شاهد، قرینه و زمینه برای درک خصوص مطالب مربوط به بخش‌های تجربی، تاریخی و مانند آن باشد، نه خارج از آن» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۷).

۳-۴. تقدم نظریات مسلم روانشناسی بر ظاهر آیات

گاهی ممکن است آنچه که مفسر از ظاهر آیات استنباط نموده با آنچه که به عنوان نظریات روانشناسی مطرح می‌گردد منافات داشته و قابل جمع نیز نباشند این مسئله امروزه با عنوان تعارض علم و دین، محل تبادل نظر بسیاری از پژوهشگران واقع شده است. مفسر روانشناس نیز، قبل از ورود به عرصه تفسیر بایستی مبنا و به عبارت دیگر موضع خود را نسبت به این تنافی روشن نماید زیرا تقدم هریک از دو طرف تنافی یعنی ظاهر آیه و یا نظریه روان‌شناختی، بدون تردید تفسیر آیه مورد نظر را دگرگون خواهد نمود.

در رفع تنافی متصور میان علم و دین ابتدا باید گفت که مفهوم مستفاد از آیه قرآن کریم از دو حالت خارج نیست: یا نص بوده که عبارتی است که تنها یک معنا را می‌پذیرد و احتمال غیر از آن معنا در آن لفظ داده نمی‌شود و یا ظاهر است که احتمال معانی متعدد در آن رفته اما در یک معنا رجحان دارد (سیوطی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۹۸) و از طرف دیگر، نظریه مورد نظر نیز از سه حالت خارج نیست: یا به مرحله مسلمات علمی و قطعیت رسیده است یا جزء مسلمات علمی بوده اما قطعی نبوده و صرفاً اطمینان بخش است و یا تنها فرضیه‌ای اثبات نشده و غیرمسلم است. از این تقسیم ذکر شده مجموعاً شش فرض تنافی متصور است:

۱. فرض اول [میان نص که قطع به معنای مورد نظر آیه است با نظریه علمی قطعی]: تنافی امکان‌پذیر نخواهد بوده و چنین فرضی باطل است زیرا دو واقعیت متناقض، نمی‌توانند در یک زمان وجود داشته باشند (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۲).



۲. فرض دوم [میان نص و نظریه اطمینان بخش]: نص مقدم خواهد بود زیرا رتبه قطع از ظنی که اطمینان بخش است بالاتر است.
 ۳. فرض سوم [میان نص و نظریه اثبات نشده]: مانند فرض دوم، روشن است که نص به دلیل قطع آور بودنش بر فرضیه‌هایی که حتی به مرحله ظن و اطمینان بخشی نیز نرسیده‌اند مقدم خواهد بود.
 ۴. فرض چهارم [میان ظاهر آیه با نظریه قطعی علمی]: نظریه قطعی بر ظاهر آیه مقدم خواهد شد زیرا ظاهر، برخلاف نص دارای احتمالات معنایی متعددی است و معنای پذیرفته شده از ظاهر آیه (ناشی از انسباق ذهنی) به علت عدم وجود قرینه بر هریک از احتمالات معنایی است (محقق داماد، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۷)، در نتیجه نظریه قطعی علمی به دلیل حجیت و اعتبارشان نزد عقلاء، می‌تواند قرینه قابل قبولی برای معنایی غیر از آنچه که از ظاهر آیه فهمیده می‌شود بوده و آیه را تأویل برد.
 ۵. فرض پنجم [میان ظاهر آیه با نظریه اطمینان بخش]: به دلیل اینکه مانند فرض چهارم، نظریه اطمینان بخش قرینه‌ای پذیرفته شده برای دست کشیدن از ظاهر آیه است در نتیجه بر ظاهر آیه مقدم خواهد شد. البته کسانی که نظریه‌های اطمینان بخش علمی را به عنوان قرینه در تفسیر قرآن حجت نمی‌دانند قاعداً هنگام تنافی، ظاهر آیه را بر این نوع نظریه‌های علمی مقدم می‌شمارند.
 ۶. فرض ششم [میان نظریات اثبات نشده با ظاهر آیه]: در این صورت ظاهر آیه مقدم خواهد شد زیرا علاوه بر اینکه تنافی میان حجت (ظاهر آیه) و لاحجت (نظریه اثبات نشده) می‌باشد، همچنانکه در دو فرض گذشته بیان گردید، صرفاً قرینه‌ای می‌تواند معنای مستفاد از ظاهر آیه را کنار بزند که مورد پذیرش عقلاء باشد و حال آنکه نظریه‌های اثبات نشده نزد عقلاء اعتبار نداشته و بدان عمل نمی‌کنند.
- نمونه‌هایی از تنافی میان آیات قرآن و یافته‌های علمی و تقدم هریک را می‌توان در آثار برخی از مفسرین مشاهده نمود:
- تأویل بردن ظاهر آیاتی همچون «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ...» (آل عمران: ۵۹) که دلالت بر آفرینش مستقل انسان از خاک دارد به دلیل تنافی با فرضیه اثبات نشده و غیرمسلم داروین صحیح نبوده و ظاهر این آیات مقدم است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۱۲).
 - استدلال «جبائی» از آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا...» (بقره: ۲۲) بر مسطح و عدم کروی بودن زمین که منافات با یافته‌های قطعی علمی دارد در برخی تفاسیر مورد نقد قرار گرفته و رد شده است (علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۱ ص ۳۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۰۲) همچنین استفاده

فخر رازی از این آیه بر ساکن بودن زمین (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۳۶) به دلیل مخالفت با قطعیت علم بر حرکت زمین مردود است.

• استظهار برخی از مفسرین از آیه «إِلَّا مَنْ حَطَفَ الحَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ» (صافات: ۱۰) مبنی بر وجود فرشتگان در آسمان اول و پرتاب نمودن شهاب سنگ بر شیاطینی که در صدد استراق سمع هستند به دلیل مخالفت با یافته‌های دانش امروزی مردود است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۱۲۴).

۳-۵. توجه به حالات روانی انسان‌ها در کلام الهی

یکی از مبانی که پذیرش آن می‌تواند نگاه مفسر را به آیات قرآن کریم تغییر داده و سبب تمایز رویکرد او با رویکرد دیگر مفسرین شود این بوده که در هنگام تدبیر در آیات الهی به این مفهوم توجه نماید که خداوندی که خالق انسان‌هاست، از تمام ابعاد روحی و خصائص روانی انسان، بهتر از هر کس دیگری آگاه می‌باشد و لذا پروردگار در قرآن کریم که نمونه بارز آن را می‌توان در نحوه تشریح احکام مشاهده نمود، از حالات و شرایط روانی انسان‌ها غافل نبوده و بر اساس اصول روان‌شناختی با آنها سخن گفته و یا حکمی را تشریح نموده است. دلیل پذیرش این مبنا، وجود برخی از آیات قرآن است که به منظور اثرگذاری بیشتر در مخاطب، با در نظر گرفتن شرایط روحی انسان‌ها و با لحاظ نکات روان‌شناختی بیان شده است. به عنوان نمونه:

۱. در جریان تحریم خمر به دلیل اینکه شراب‌خواری در میان برخی از مردم صدر اسلام به صورت یک عادت، ریشه دوانده بود، خداوند متعال حکم تحریم آن را یکباره بیان نفرموده بلکه طی یک دوره زمانی و به تدریج تحریم خمر را علنی نموده تا پذیرش حکم شراب برای مسلمین راحت‌تر گردد. بنا بر یکی از روایات، در تحریم خمر ابتدا آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الخَمْرِ وَ المَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...» (بقره: ۲۱۹) بعد از آن آیه «إِنَّمَا الخَمْرُ وَ المَيْسِرُ وَ الأنصَابُ وَ الأزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاحْتَبِئُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۹۰)، سپس آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ العَدَاوَةَ وَ البغْضَاءَ فِي الخَمْرِ وَ المَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده: ۹۱) و در نهایت آیه «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الإثمَ...» (اعراف: ۳۳) نازل شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۰۶).

سیر نزول آیات نشان می‌دهد که ابتدا صرفاً به زیان شراب اشاره شده و بعد دستور اجتناب و دست برداشتن از آن نازل شده و در نهایت حکم حرمت آن بیان گردید. امام باقر (علیه السلام) نیز در روایتی این نوع تعامل خداوند را رفق او نسبت به بندگان دانسته و فرمودند: «شراب، همیشه حرام بوده است و فقط مردم از مرحله‌ای به مرحله دیگر (تدریجاً) انتقال داده می‌شوند و اگر به



یکباره [تکلیف اجتناب از شراب] بر آنها بار می‌شد نمی‌پذیرفتند» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۰۲). در نتیجه مشاهده می‌کنیم که خداوند متعال در قرآن به‌منظور از بین بردن رفتاری نامطلوب، به شرایط روحی انسان‌ها نیز در پذیرش یا عدم پذیرش حکمی توجه می‌نماید.

۲. نمونه دیگر از توجه خداوند به شرایط روانی انسان‌ها و سخن گفتن بر اساس اصول روان‌شناختی را می‌توان در آیاتی مشاهده نمود که خداوند از حربه «انگیزه سازی» در جهت ترغیب مسلمانان به انجام رفتارهای مطلوب استفاده نموده است. در برخی از کارهای مشقت‌بار که به‌واسطه آن، انسان در شرایطی است که از انجام آن هراس داشته و یا امیدی به موفقیت در آن کار ندارد که در حقیقت به انجام آن بی‌انگیزه است می‌توان از شیوه «آسان‌انگاری» استفاده نمود. ضعیف شمردن نیرنگ شیطان در آیه «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۷۶) با توجه به گلابه‌های خداوند از بی‌رمقی مؤمنان نسبت به جنگ با کفار و ترس از کشته شدن که در آیات قبل و بعد مشهود است به‌نوعی تشجیع و انگیزه سازی مؤمنان به جنگ با کفار است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۷۱).

همچنین این آسان‌انگاری را می‌توان در کم و ناچیز شمردن ایام دشوار روزه‌داری با عبارت «أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ» (بقره: ۱۸۴) مشاهده نمود که سبب می‌شود که مکلف نسبت به انجام آن، دل و جرأت پیدا کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹). لازم به ذکر است پذیرش این مبنا سبب می‌شود که مفسر، تمامی آیات قرآن را با این رویکرد بررسی نموده تا این دسته از آیات که خداوند با توجه به حالات روانی انسان‌ها با آنها سخن گفته و یا حکمی را تشریح نموده را در میان دیگر آیات قرآن بیابد.

۳-۶. چند بُعدی بودن معارف قرآنی

یکی از مبانی تفسیر روان‌شناختی که عدم پذیرش آن می‌تواند فهم نو با نگاه روان‌شناختی را از آیات قرآن خدشه‌دار نماید، وجود ظهورهای متعدد از عبارات قرآنی است که در هر زمان می‌تواند معارف جدیدی را برای مفسر به ارمغان آورده و قرآن را به عنوان یک کتاب پویا و کاربردی برای تمام زمان‌ها مطرح نماید. برخی از مفسرین همچون «شاطبی»، فهم نهایی از آیات قرآن را همان فهم مخاطبان اولیه قرآن در صدر اسلام دانسته و به همین منظور، تفسیری که بر پایه فهم جدید از جملات قرآن بوده را مردود می‌داند (شاطبی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۸۶).

مفسر معاصر، «امین خولی» نیز معتقد است همان‌طور که برای ترجمه لغات قرآن به زمان صدور باز می‌گردیم، برای فهم مراد آیات قرآن نیز به فهم مسلمین در زمان صدور نیازمندیم

(الخولی، ۱۹۶۱، ص ۲۹۳ و ۲۹۴). اما نظریه تک بعدی بودن معانی آیات، از سه جنبه قابل خدشه است:

۳-۶-۱. دستور به تبیین آیات قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم وظیفه تبیین و روشن نمودن آیات قرآن را به عهده پیامبر خود گذاشته و فرموده است «... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (نحل: ۴۴)، روشن است که تبیین نمودن آیات الهی برای مردم، مستلزم وجود ابهام در برخی از عبارات قرآن است که فهم آن بر مردم عصر نزول پوشیده مانده که پرسش معانی برخی از آیات از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شاهدی دیگر بر این مدعاست به همین جهت مشروط نمودن فهم معانی آیات به فهم مسلمانان صدر اسلام سبب پنهان ماندن بسیاری از معانی قرآن خواهد شد زیرا بسیاری از معانی قرآن حتی در آن زمان نیز پوشیده بوده است.

۳-۶-۲. عدم دسترسی به مراد تمامی آیات در صدر اسلام

حتی بر فرض پذیرش ملاک بودن فهم در عصر صدور، مراد بسیاری از آیات قرآن کریم مشخص نخواهد شد زیرا دستیابی به ما به فهم گذشتگان غیرممکن بوده و آثار موجود از تفاسیر آن عصر نیز بسیار اندک است.

۳-۶-۳. عدم فهم واحد حتی در عصر نزول

آنچه که روشن است این بوده که حتی در عصر نزول قرآن نیز فهم واحدی از آیات وجود نداشته است تا در حال حاضر بتوان آن را به عنوان فهم نهایی از آیات الهی محسوب نمود آیا می توان گفت که فهم یک عرب بادیه نشین از آیات قرآن با فهم مفسر بزرگی همچون ابن عباس در یک مرتبه بوده است؟

در نتیجه وجود مراتب مختلف معنایی حتی در ظاهر آیات قرآن، به گونه ای که با پیشرفت علوم جنبه های مختلف آن روشن گردد از ویژگی های قرآن کریم بوده که امام باقر (علیه السلام) نیز بدان اشاره کرده و فرمودند: «إِنَّ لِقُرْآنَ بَطْنًا وَ لِبَطْنٍ بَطْنًا وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ لِبَطْنٍ ظَهْرٌ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۰). به عنوان نمونه، متحرک بودن کرات آسمان همچون خورشید و ماه که از آیات «وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبیاء: ۳۳) و «وَ الشَّمْسُ بَحْرِي لِمُسْتَقَرٍّ هَآ...» با پیشرفت دانش میسر شده است.



۳-۷. واقع‌نما بودن نظریه‌های قرآنی

بر مبنای نظریه «پوزیتویسم منطقی» جمله‌هایی معنادار هستند که با داده‌های حسی مورد تحقیق قرار گیرند و گزاره‌های اخلاقی، متافیزیکی و دینی، گزاره‌های بی‌معنایی هستند که نه می‌توان آنها را گزاره‌هایی صادق دانست و نه کاذب، در نتیجه تنها گزاره‌هایی که بتوان آنها را در بوته آزمایش تجربی قرار داد معنادار خواهند بود (باربور، ۱۳۹۲، ص ۱۹۴ و ۱۹۵). در این نگاه، گزاره‌های دینی اصلاً معنایی را ایفا نمی‌کنند تا بتوانیم معنای مورد نظر را یک واقعیتی در کنار دیگر دانش‌های بشری قرار داده و از آنها در علوم مختلف بهره ببریم.

بررسی این دیدگاه در میان مبانی تفسیر روان‌شناختی از این جهت اهمیت دارد که در صورت عدم پذیرش معنادار بودن گزاره‌های قرآنی، مفسر نمی‌تواند نظریه‌های روان‌شناختی استخراج شده از قرآن را به عنوان یک حقیقت و معرفت علمی به جامعه علمی دنیا عرضه نماید. در نتیجه رسیدن به یک نظریه قطعی در مورد این مبنا از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. این دیدگاه نیز قابل نقد است به دلیل اینکه:

۱. گزاره‌هایی که خود آنها برای اثبات این نظریه ذکر می‌کنند (مانند: صرفاً گزاره‌های تجربی معنادار هستند)، یک گزاره علمی و تجربه پذیر نیست در نتیجه گزاره‌ای بی‌معنا بوده و اصل نظریه آنها نیز بی‌معنا خواهد بود (خرمشاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

۲. تناقضی که میان گفتار و رفتار صاحبان این نظریه به چشم می‌خورد این است که خودشان کتبی در باب «فلسفه» نگاشته‌اند و حال آنکه این آثار، تجربه پذیر نیستند (کنفیلد، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲).

۳. حتی اگر تجربه پذیر بودن گزاره‌ها را نیز ملاک قرار دهیم می‌توان گزاره‌های دینی از جمله گزاره‌های قرآنی را با معیارهای تجربی سنجید مثلاً اثر آرامش بخشی یاد خدا بر انسان را می‌توان با روش‌های تجربی آزمود (عباس نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۹۵ و ۱۹۶). در نتیجه بر مبنای نظریه پوزیتویسم منطقی نیز نمی‌توان تمامی گزاره‌های دینی را بی‌معنا دانست.

بر اساس مبانی واقع‌نما بودن نظریه‌های قرآنی، عموم نظریات دینی مانند دیگر نظریات علوم تجربی به دلیل معنادار بودن، از قابلیت اتصاف به حقیقت یا عدم حقیقت برخوردار بوده و در میان نظریات دینی، نظریات قرآنی نیز به دلیل انتساب به منبع وحی از اعتبار بیشتری برخوردار بوده و در صورت رعایت مبانی و ضوابط تفسیری می‌توان نظریه استخراج شده را به عنوان یک واقعیت علمی در کنار دیگر نظریات علوم تجربی قرار داد.

نتایج تحقیق

۱. مقصود از تفسیر روان‌شناختی، در مرتبه اول، عرضه یافته‌های گذشته دانش روانشناسی بر آیات قرآن است که این امر ممکن است با تأیید، رد و یا سکوت نسبت به آن یافته‌ها همراه باشد و در مرتبه دوم، تولید یافته‌های جدید روانشناسی از آیات قرآن کریم است که نقش اصلی را در توسعه روانشناسی اسلامی ایفا می‌کند و در مرتبه سوم، نظام‌سازی بر اساس آن یافته‌هاست که به‌نوعی غایت دو هدف گذشته خواهد بود.
۲. علاوه بر وجود آیاتی که دارای گزاره‌های مرسوم روان‌شناختی هستند، آیاتی نیز وجود دارد که دارای اشارات نهفته روان‌شناختی می‌باشند در نتیجه به‌منظور کشف این اشارات لازم است که تمامی آیات قرآن در گستره نگاه روان‌شناختی قرار گیرند.
۳. تفاسیر روان‌شناختی متعددی در احادیث معصومین (علیهم‌السلام) وجود داشته که این خود دلیلی برای حجیت این گرایش تفسیری است هرچند استناد مفسر به منابع معتبر در تفسیر قرآن، خود دلیلی برای اعتبار و حجیت برداشت‌های تفسیری وی خواهد بود.
۴. تمام دستاوردهای تجربی نمی‌توانند به عنوان منبع یا قرینه‌ای در تفسیر روان‌شناختی مورد استفاده واقع شوند و تنها یافته‌های قطعی علم که به دلیل حجیت ذاتی قطع پذیرفته شده‌اند و نیز یافته‌های اطمینان بخش تجربی که بنای تأیید شده عقلاء در طول تاریخ بر اعتبار آن دلالت دارد می‌توانند به عنوان قرائن قابل قبولی در تفسیر روان‌شناختی محسوب شوند.
۵. نص آیات قرآن به دلیل قطعی بودن در هنگام تعارض با یافته‌های علمی در هر صورت مقدم خواهد شد اما ظواهر آیات صرفاً در هنگام تعارض با نظریات اثبات نشده مقدم خواهد شد و در صورت تعارض با نظریات قطعی یا اطمینان بخش، این نظریات روان‌شناختی هستند که مقدم خواهند شد زیرا برگزیدن یکی از احتمالات در ظاهر آیه به‌واسطه انسباق ذهن به دلیل عدم وجود قرینه معتبر بر هریک از احتمالات است در نتیجه نظریات قطعی یا اطمینان بخش تجربی به دلیل اعتبارشان نزد عقلاء می‌توانند به عنوان قرینه، یکی از احتمالات را متعین نمایند هرچند مخالف آن معنایی باشد که در ابتدا از ظاهر آیه به ذهن رسیده است.
۶. خداوند متعال به دلیل اینکه خود از تمام ابعاد روانی انسان‌ها به‌طور کامل آگاه است به همین جهت در موارد متعددی در قرآن کریم مشاهده می‌شود که با توجه به حالات روحی بندگان با آنها تعامل نموده که این امر، نفوذ بیشتر کلام الهی در دلها را به دنبال داشته است.
۷. قرآن کریم دارای وجوه مختلف معنایی است که حتی برخی از وجوه آن بر مسلمانان عصر نزول قرآن نیز که مخاطب اولیه قرآن بوده‌اند پنهان بوده است در نتیجه فهم جدید و متفاوت از آیات قرآن که در صدر اسلام سابقه نداشته است بدون اشکال خواهد بود.

۸. واقع‌نما بودن و نیز اتصاف به حقیقت داشتن نظریات قرآنی متکی به این نیست که بتوان آنها را به صورت کمی و تجربی سنجید زیرا منبع کسب شناخت منحصر در تجربه نبوده و کلام الهی نیز به دلیل عصمت آن از هرگونه خطاء، حتی بدون سنجش تجربی نیز خود منبعی برای کسب حقایق علمی خواهد بود.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم


- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸)، *التوحید*، قم: جامعه مدرسین.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اسعدی، محمد و همکاران (۱۳۸۹)، *آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
- ایزدی مبارکه، کامران (۱۳۸۶)، «ارزیابی ادله موافقان و مخالفان روش تفسیر علمی قرآن کریم»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال اول، شماره ۱.
- بابایی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۸)، *روش تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باربور، ایان (۱۳۹۲) *دین و علم*، ترجمه: پیروز فطورچی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- بک، جودیت (۱۳۹۱)، *شناخت درمانی: مبانی و فراتر از آن*، ترجمه: لادن فتی و فرهاد فرید حسینی، تهران: انتشارات دانژه.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۹)، *پوزیتویسم منطقی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- الخولی، امین (۱۹۶۱)، *مناهج تجرید*، بیروت: دارالمعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، *منطق تفسیر قرآن*، قم: جامعه المصطفی العالمیه.

- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم: کتاب مبین.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۵)، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم: نشر اسوه.
- سانتراک، جان دبلیو (۱۳۸۸)، زمینه روانشناسی سانتراک، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۲)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
- شاطبی، ابی اسحاق (۱۴۱۵)، الموافقات فی اصول الشریعة، بیروت، دارالمعرفة.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، مبانی و روش های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۷)، الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت: شركة مكتبة الالفین.
- الشربینی، لطفی (۲۰۰۹)، الاشارات النفسیة فی القرآن الکریم، بیروت: دارالنهضة العربیة.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
- صفوی، سید محمدرضا (۱۳۹۱)، بازخوانی مبانی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۵)، مبانی و مقدمات رابطه قرآن و علوم روز، مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۳۱)، تفسیر الشریف المرتضی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۹)، روش ها و گرایش های تفسیری، قم: اسوه.
- فاکر میبدی، محمد (۱۳۹۳)، مبانی تفسیر روایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قربانی، محمد هادی (۱۳۹۳)، درمان بحران های روحی از دیدگاه قرآن، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (علی اله علیه آله).
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۴۰)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کاوایانی، محمد (۱۳۹۳)، روانشناسی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، قم: انتشارات دار الکتب الإسلامیة.
کنفیلد، جان وی (۱۳۹۲)، *فلسفه معنا، معرفت و ارزش در قرن بیستم*، ترجمه یاسر خوشنویس،
تهران: حکمت.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۲)، *مباحثی از اصول فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
مروتی، سهراب و مینا یعقوبی (۱۳۸۹)، «نقد و بررسی نظریه انسان‌شنا سانه «مازلو» با رویکردی بر
آیات قرآن کریم»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال چهارم، شماره ۱.
نامور، هومن و فاطمه ذهبی (۱۳۸۹)، «گامی به سوی تحلیل محتوای آیات قرآن از منظر روان‌شناسی
اجتماعی»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال چهارم، شماره ۱.
نجاتی، محمد عثمان (۱۳۷۲)، *قرآن و روانشناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان
قدس رضوی.

ویتن، وین (۱۳۹۳)، *روانشناسی عمومی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی